

## راهبرد خاورمیانه‌ای بایدن، یک پراگماتیسم بی رحم است

تثبیت گفتارهای توخالی جو بایدن در خاورمیانه

بایدن، راهبردی در قبال خاورمیانه دارد. این، بدین معنا است که او و مشاورانش، مشکلات منطقه‌ای، تلاقی آن‌ها با منافع آمریکا، منابع در اختیار ایالات متحده و پرداخت بها برای اتخاذ انواعی از سیاست‌ها را مورد توجه قرار داده‌اند. نتیجه یک راهبرد است که می‌توان، آن را به عنوان «پراگماتیسم بی رحم» توصیف کرد. جای تعجب نیست که چرا فعالان حقوق بشر و همچنین جنگ خواهان، شدیداً به این مسئله معترض هستند.

پراگماتیسم بی رحم، احتمالاً در سیاست‌های یمن و سوریه دولت بایدن، کاملاً مشهود است. براساس اظهارات رئیس جمهور در دوران رقابت‌های انتخاباتی، می‌توان از او انتظار داشت که نقش مؤثرتری در سوریه ایفا کند. این‌گونه نبود که بایدن-هریس

آنتونی بلینکن<sup>۴</sup>، وزیر امور خارجه آمریکا و همچنین، فیصل بن فرحان آل سعود<sup>۵</sup>، همتای عربستانی‌اش، قبل از جلسه ۱۴ اکتبر خود در واشنگتن، با خبرنگاران گفتگو کردند.

رئیس جمهور جو بایدن<sup>۶</sup> به یک راهبرد در قبال خاورمیانه نیاز دارد؛ این موضوعی است که بسیاری از تحلیل‌های منتشرشده از جمله این گزارش، به آن اشاره کرده‌اند. این اتهام که یک دولت «راهبردی برای فلان موضوع ندارد»، غالباً منعکس‌کننده تفاوت‌های ایدئولوژیک نویسنده با برنامه مفروض کاخ سفید در آن موضوع است تا فقدان واقعی یک راهبرد. انتقادات بیشتر منعکس‌کننده گرایش «دولتی که سیاست مورد نظر من را دنبال نمی‌کند»، هستند. برای من قابل توجه است که

جانانان ارنست<sup>۱</sup> یادداشتی را در رویترز<sup>۲</sup> منتشر کرده است که در آن اشاره شده یک تهدید در مورد رویکرد کاخ سفید نسبت به منطقه، از سوریه تا عربستان سعودی وجود دارد. چرا که بایدن راهبرد خاصی برای خاورمیانه ندارد. در حالی که وی دونالد ترامپ<sup>۳</sup> را به دلیل عدم درک فضای ژئوپلیتیک، انتقاد کرده و اظهار داشت که خارج کردن نیروهای آمریکایی از سوریه، به نفع اسد و ایران خواهد بود و باعث می‌شود، صهیونیستی‌ها برای تأمین امنیت خود، به روس‌ها وابسته شوند. اما بعد از پیروزی بایدن در انتخابات ۲۰۲۰ مشخص شد که راهبرد وی، یک پراگماتیسم بی رحم است.

4. Antony Blinken

5. Faisal bin Farhan Al-Saud

6. Joe Biden

1. Jonathan Ernst

2. REUTERS

3. Donald Trump

۲۰۲۰، برنامه ای مفصل برای پرداختن به جنگ داخلی سوریه مطرح کرده باشند، بلکه وقتی نامزدها در مورد این مسئله صحبت می کردند، او به یک رویکرد محکم اشاره کرد. بایدن به شدت از دونالد ترامپ به دلیل عدم درک فضای ژئوپلیتیک، انتقاد کرده و اظهار داشت که قصد ترامپ برای خارج کردن نیروهای آمریکایی از سوریه، به نفع رژیم اسد و ایران خواهد بود و باعث می شود، اسرائیلی ها برای تأمین امنیت خود، به روس ها وابسته باشند. البته به ندرت پیش می آید که اظهارات انتخاباتی با سیاستی که بعد از پیروزی در

1. Donald Trump

انتخابات اتخاذ می شود، همسو باشند. در سال ۱۹۸۸، زمانی که معاون رئیس جمهور وقت، جورج اچ دبلیو بوش<sup>۲</sup> برای حضور در رقابت های انتخابات ریاست جمهوری آماده می شد، به دبیر کل حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی، میخائیل گورباچف<sup>۳</sup> توصیه کرد که به «گفتارهای توخالی» - که در جریان رقابت های انتخاباتی از او شنیده است - توجهی نکنند.

به جای اتخاذ رویکردی جنگ طلبانه نسبت به سوریه که بایدن به آن اشاره کرد، او ظاهراً به این نتیجه رسیده است که تشنج زدایی،

2. George H.W. Bush

3. Mikhail Gorbachev

بهترین کمک را به مجموعه ای از اهداف ژئواستراتژیک می کند که هم با مناقشه سوریه مرتبط اند و هم گسترده تر از جنگ داخلی هستند. این مسئله برای این مبنا است که تلویحاً پیروزی بشار اسد را تصدیق کنیم. ظاهراً تیم بایدن، اعتقاد دارد که با پذیرش این واقعیت، آمریکا این شانس را خواهد داشت تا بیشتر به مردم سوریه و لبنانی های فقیر کمک کند، روابط با روسیه را تغییر دهد و سوری ها را از ایرانی ها جدا نماید.

در راستای تحقق این اهداف، وقتی شاه عبدالله<sup>۴</sup> اردن با رئیس جمهور سوریه تماس گرفت یا بعد از اینکه در اوایل نوامبر، وزیر امور خارجه

4. King Abdullah



امارات با او در دمشق دیدار کرد، واکنش دولت بایدن، بیش از حد انتقادی نبود یا اصلاً انتقادی نبود. به نظرمی رسد که برنامه رهبراردن برای بازگرداندن حاکمیت و اتحاد با سوریه، با نگرش کلی بایدن همسو باشد، اگرچه کاخ سفید، هنوز تأیید نهایی برای مشارکت در این برنامه را اعلام نکرده است.

بر اساس گفته‌ها، دیپلمات‌های آمریکایی در تلاش‌اند تا با استفاده از خط لوله گاز عرب<sup>۱</sup>، گاز مصر را به اردن و سپس از طریق سوریه به لبنان، منتقل کنند تا بدین ترتیب، برای لبنانی‌هایی که مجبورند با برق پرنوسان (در میان سختی‌های دیگر) زندگی خود را بگذرانند، آسودگی و راحتی فراهم آورند. این مسئله باعث شد که اعضای کنگره از هر دو حزب - که تلاش داشتند، اسد را به خاطر جنایات جنگی بازخواست کنند - کنجکاو شوند که چرا دولت بایدن در گوشه‌ای ایستاده و نظاره‌گر این است که کشورهای عرب، از جمله مصر، الجزایر، بحرین، عمان، لبنان و تونس، به علاوه امارات و اردن، سوریه را بازسازی و احیا می‌کنند. نیازی نیست با اقدامات کنونی دولت در سوریه موافق باشیم، بلکه روشن است که یک راهبرد اساسی وجود دارد. پراگماتیسم بی‌رحم بایدن در سوریه، از طریق تلاش برای یافتن راه‌هایی برای افزایش کمک

ها، همسو با منافع آمریکا در مقابله با تروریسم و اشاعه سلاح هسته‌ای، امنیت اسرائیل و البته حقوق بشر حرکت می‌کند. آیا این مسئله به سرمنشأ مشکل می‌پردازد؟ پاسخ منفی است. آیا دلایلی برای تردید وجود دارد؟ بله البته که وجود دارد. هر ناظر منصفی تصدیق می‌کند که اسد، هرگز در مسئله کمک به مردم با حُسن نیت برخورد نکرده بلکه اغلب به اندازه‌ای عمل کرده که مانع مخالفانش شود و در عین حال، توانایی برای ادامه دادن سیاست‌های شروانه را نیز حفظ کرده است. شاید راهبرد بایدن، بد باشد اما حداقل او یک راهبرد دارد.

یمن مکان دیگری است که پراگماتیسم بی‌رحم بایدن، در آن آشکار است. زمانی که سنا، فروش یک بسته ۶۵۰ میلیون دلاری تسلیحاتی به عربستان را تصویب کرد، خشم زیادی در میان گروه‌های حقوق بشری و اعضای ترقی‌خواه کنگره وجود داشت. دولت اعلام کرد که این اقدام، برای فروش «تسلیمات دفاعی» بوده است، اما مخالفان قرارداد، آن را نپذیرفتند. آن‌ها به نکته‌ای اشاره می‌کنند که قابل توجه است. آنچه یک سلاح را دفاعی می‌کند، غالباً بستگی به کسی دارد که از او، تقاضای سلاح می‌کنید.

حوثی‌ها یک گروه منجرکننده و مقصر بخشی از رنج‌های یمنی‌ها هستند؛ آن‌ها مدعی‌اند که

حملات موشکی و پهپادی به خاک عربستان، جنبه دفاعی دارد. سعودی‌ها که آن‌ها هم در رنج مردم یمن مسئول‌اند، با این سخن مخالف بوده و می‌گویند که حملات هوایی آن‌ها به یمن، برای دفاع است. نوعی ابهام معنایی وجود دارد که به پراگماتیسم بی‌رحم بایدن کمک می‌کند. حتی منتقدان برجسته جنگ عربستان مانند سناتور کریس مورفی<sup>۲</sup> به نفع فروش سلاح به عربستان رأی داد، به این دلیل که بر اساس گفته خودش، سلاح به عربستان کمک می‌کند تا از خود دفاع نماید. البته که اتفاقات بیشتری حداقل برای دولت، در حال وقوع است. قطع زنجیره تأمین سلاح سعودی‌ها، جنگ یمن را متوقف نخواهد کرد و حتی ممکن است، بعد از مدتی آن را دشوارتر سازد، اما بحران یمن با یک مصوبه از کنگره پایان نمی‌یابد. سیاست دولت بایدن مبتنی بر تصدیق این واقعیت است که تبدیل عربستان به باج‌گیر منفور، بسیار دشوار است. بعد از قتل جمال خاشقچی، مداخله در یمن، افشاری‌ها نسبت به نقض‌های حقوق بشر سعودی‌ها و انقلاب شیل در آمریکا، دیدگاه تحلیل‌گران سیاست خارجی واشنگتن و اعضای کنگره، بر این مبنا قرار گرفته است که فرصتی برای تغییر روابط آمریکا-عربستان وجود دارد. اینکه ریاض به واشنگتن نیاز دارد، بیشتر

2. Chris Murphy

1. Arab Gas Pipeline



و آمریکایی ها، دیگر باور نداشتند باشند که حقی الهی دارند تا با خودروهایی بزرگ پراز بنزین ارزان قیمت تردد کنند، عربستان سعودی یک کشور مهم باقی خواهد ماند. هیچ چیز تظہیر کننده یا قهرمانانه در مورد پراگماتیسم بایدن وجود ندارد. سیاست خارجی، اغلب به اخذ تصمیماتی ناظر است که از نظر اخلاقی، مورد تردید هستند. با این وجود، بایدن و تیمش، مستحق تحسین بوده و برخلاف دیدگاه منتقدان، درگیری تفکر راهبردی هستند.<sup>۱</sup>

ها و به دلیل ارتباطشان با ایران، آبراهه های راهبردی مانند تنگه باب المندب و دریای سرخ را تهدید می کند. این، نکته مهم و قابل توجه است، اما اینکه همه این مسائل در فروش سلاح خلاصه می شود، حاکی از نیاز برای جلب کمک عربستان است. بایدن تمایل دارد که عربستان سعودی نفت بیشتری عرضه کند، زیرا او به دلیل تورم و قیمت بالای بنزین، در حال مرگ سیاسی است. این امر برای فعالان حوزه آب و هوا، یک اقدام بزدلانه بوده و تا حدی نیز این گونه است اما با اینکه چشم انداز انرژی در حال تغییر بوده، قرار نیست به همان سرعت یا روانی که طرفداران محیط زیست دوست دارند همه آن را باور کنند، رخ بدهد. تا زمانی که یک تغییر فرهنگی در ایالات متحده به وجود بیاید

از آنچه واشنگتن به ریاض نیاز داشته باشد، واقعیتی است که به آمریکا، امتیاز و اهرم فشار می دهد. رابطه آمریکا-عربستان، پیچیده است زیرا هر دو کشور در موضوعات گوناگون و همچنین، زمان های مختلف به یکدیگر نیازمندند. بحران یمن وحشتناک است و مداخله سعودی ها در سال ۲۰۱۵، آن را وخیم تر کرده است. با وجود این، وقتی نوبت به عربستان سعودی می رسد، بایدن موضوع دیگری برای نگرانی دارد که با سیاست ها و منافع ملی خودش، پیوند خورده است؛ جریان آزاد نفت و توانایی سعودی ها برای تأثیرگذاری بر قیمت نفت و بالطبع، مبلغی که مصرف کنندگان آمریکایی در پمپ بنزین ها می پردازند. تحلیل گران نگران ثبات شبه جزیره عربستان و خطری هستند که در صورت پیروزی حوثی

۱. منبع:

<https://www.cfr.org/article/bidens-middle-east-strategy-ruthless-pragmatism>